

غزل شماره ۳۲۳

زدستِ کوتهِ خود زیر بارم

که از بالا بلندان شرمسارم

مگر ز نخیلموینی گیردم دست

وگرنه سربه شیدایی برآرم

ز چشمِ من پرس اوضاعِ گردون

که شب تا روز احترامی شمارم

بدین شکرانه می بوسم لبِ جام

که کرد آگه ز راز روزگارم

اگر کفتم دعایِ می فروشان

چه باشد؟ حقّ نعمت می گزارم

من از بازویِ خود دارم بسی شکر

که زورِ مردم آزاری ندارم

سری دارم چو حافظ مست لیکن

به لطف آن سری امیدوارم

تفسیر فال

از روزگار خود بسیار دلگیر و ناراحتید. در این لحظه‌های دشوار، احساس می‌کنید که وجودتان به اندازه‌ی یک تار موی نازک با مرگ فاصله دارد. این احساسات گاهی چنان سنگین و طاقت‌فرسا می‌شوند که ممکن است امید را از شما بربایند. اما با این حال، باز هم خدا را شکر می‌کنید و قدردان نعمت‌های کوچک زندگی هستید. در اطراف شما افرادی وجود دارند که اوضاعشان بسیار بدتر از شماست و همین نکته به نوعی تسلی‌بخش است. بنابراین حق نعمت خدا را به جای آورده و شکرگزاری کنید. به بازوی خودتان متکی باشید؛ زیرا هیچ‌گاه با زورگیری از مردم یا اتکا به دیگران نمی‌توانید به جایی برسید. تنها با اعتماد به نفس و تلاش مداوم است که می‌توانید بر چالش‌ها غلبه کنید و مسیر موفقیت را پیش بگیرید. امیدوار باشید، زیرا نیت پاک و تلاش صادقانه‌تان قطعاً شما را به اهدافی که در دل دارید، خواهد رساند. ایمان داشته باشید که هر کدام از ما قابلیت رسیدن به قله‌های بزرگ زندگی را داریم؛ تنها کافی است امید خود را حفظ کنیم و با عزمی راسخ ادامه دهیم.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)